نگاه

دنیا در دست کیست: شرکت‌ها یا دولت‌ها؟

رضا سعیدی فیروزآبادی،

با رشد سرمایه‌داری در قرن ۱۷ در اروپا به‌تدریج شرکت‌های بزرگ تجاری به عنوان یک واحد قدرتمند اقتصادی مطرح شدند. شاید در تاریخ اولین شرکت‌های تجاری قدرتمند به اوایل قرن ۱۷ در کنور هند بازگردد. به علت سرآمدی هلندیان به صنعت دریانوردی، شرکت هند شرقی تجارت با هند و آسیای جنوب‌شرقی را اداره کرد. به‌تدریج شرکت‌های اقتصادی دیگر در قاره اروپا به‌ویژه انگلستان ایجاد شد. از اواسط قرن ۱۹ به‌تدریج ایهامات و توافقی زیادی در طی مطالعه آن مشهود بود. سال‌ها بعد، زمانی که پا به پیشنهاد ناشر دیگری اقدام به ترجمه مجدد این کتاب کردم، قاعدتاً بخش‌هایی از ترجمه خود را با ترجمه آقای حنایی‌کاشانی مقابله کردم و نتیجه شگفت‌انگیز بود. ترجمه فارسی کتاب پُر بود از ایرادات نگارشی و ترجمانی زیرا و درشت، تا جایی که شاید کمترصفحه‌ای را بتوان یافت که اغلاط فاحش در آن به چشم نخورد. البته ایرادات ترجمه، در آثار فلسفی اجتناب‌ناپذیر است و خود نگارنده این سطور نیز حتما ناخواسته مرتکب آنها شده است، برخی از ایرادات ناشی از بی‌دقتی و سهل‌انگاری است که باید با دقت مضاعف برطرف شود، و برخی ناشی از ضعف در فهم زبان مبدأ است که باید با ارتقای سطح زبان اصلاح شود. ایرادات نگارشی نیز عمدتا به عدم تسلط به زبان مقصد بازمی‌گردد. به‌هرحال از یک سو از انتشار کتاب سال‌ها می‌گذشت و مدت‌ها بود که کتاب نایاب شده بود، در نتیجه، لزومی ندیدم که نقدی بر آن بنویسم و از سوی دیگر نیز به مترجم محترم دسترسی نداشتم که نکات انتقادی خود را منتقل کنم. پس از انتشار مجدد این اثر در زمستان ۱۳۹۶، امیدوار بودم که نویسنده در طول این قریب به دو دهه، حداقل به بازخوانی و ویرایش تمام‌وکمال آن مبادرت ورزیده و دست‌کم کل اثر را یک دور با متن انگلیسی مقابله کرده و ایرادات فاحش و ابتدایی را برطرف کرده باشد. اما پس از بررسی نسخه اخیر دریافتم که هیچ‌کدام از این اتفاقات نیفتاده است. نویسنده، در بهترین حالت فقط چند اصطلاح مشروح را با چند اصطلاح دیگر جایگزین کرده و ساختار اصلی اثر را ابدا مورد بازبینی قرار نداده است. حتی روی جلد کتاب هم نگارش غلط نام نویسنده «رابرت سالمن» را اصلاح نکرده و غلط فاحش دیگری نیز در آن رخ داده است. شاهد این سخن نیز، این است که تمام ایرادات فاحش، اغلاط گرامری و نگارشی در آن یک کلمه کرفته تا یک جمله - متأسفانه هنوز در متن به چشم می‌خورد. در این یادداشت نیز تنها و تنها به ذکر فاحش‌ترین این اغلاط گرامری و فهم‌نارکاری‌ها بسنده خواهم کرد و از ذکر موارد مشکوک و حتی پیشنهاداتی برای بهبود متن اجتناب می‌کنم تا بهانه‌ای به دست ندهم که کل نقدم به سلیقه‌ای‌بودن یا عنه به خختلاف نگاشت منجر شود و در ذیل قسمی «نقد ترجمه»هایی قرار گیرد که لبریز از اغراض شخصی و خنکی و کروهی است. در نتیجه، بادداشت حاضر برخلاف نقدهای دیگرم در زمینه ترجمه کتاب، هیچ کاری با محتوای کتاب، نقد یا معرفی آن ندارد و صرفا در تلاش است نشان دهد که ترجمه فارسی اخیراالانتشار، مانند نسخه سابقش در اواخر دهه هفتاد، بإیراد و غیرقابل استفاده است. همچنین از نقد ترمینولوژی مترجم اجتناب خواهم کرد که بعضا با واژگانی بی‌ربط در ترجمه بوده برده است (مانند اروپایی به واژه «ن-tinental؛ اندیشه به جای idea؛ در فلسفه هیگل اصلاح‌طلب به جای radical؛ شیمه‌گانیکی به جای mechanistic، متجانس به جای organic، صحیح به جای ortodox، اقوام به جای people و...). البته، در نهایت باید به جرئت ادعا کرد که حدود سی فقره مشخصه زیر تنها مشتی است نمونه خروار ایرادات متعدد ترجمه. می‌شد تنها به اشاره به چند مورد معدود، بسنده کرد. اما از آن جا که موضوع امکان نداشت که به بهانه طبیعی‌بودن برخی ایرادات در ترجمه، از زیر بار نقد شانه خالی کرد؟ با این همه، اغلاط زیر تنها بخش اندکی از کل ایرادات را دربر می‌گیرند و می‌توان ده‌ها مورد به آنها افزود. به منظور پرهیز ازطول‌ونشرشدن بحث، انتقادات را به سه دسته افتادگی‌ها، تبدیل مضامین و افعال مثبت به منفی و بالعکس، و جای‌افتادگی‌ها و اشتباهات نحوی تقسیم کرده‌ام:

الف) جاافتادگی‌ها:

۱. صفحه ۵: «روش تجربه‌گرایان - هرچند با دکارت مخالف بودند - تاکیدها بر تجربه و تامل درون‌بینانه و تاکید ها بر ماهیت هویت خود را تقویت کرده بود». متن اصلی:

The method of the empiricists – however opposed to Descartes – strengthened the emphases on experience and introspective reflection, on nature of the identity of the self, and on the importance of the first-person standpoint.

ترجمه پیشنهادی: «روش تجربه‌گرایان - هرچند با روش دکارت تضاد داشت - تاکید بر تجربه و تامل درون‌نگرانه، بر ماهیت هویتِ «خود» و نیز بر اهمیت دیدگاه اول شخص را تشدید می‌کرد». روش است که ترجمه کلمهٔ کلیدی of the importance of and on از قلم فارسی جاافتاده است.

۲. صفحه ۱۷: «... رشته اصلی در بافت داستان فلسفه اروپایی جدید را به دست ما می‌دهد، حتی اگر این مصطلحات بعد از پایان قرن نوزدهم چندان مورد استفاده نباشند. در جانب جنبش روشنگری تاکید بسیار بر علم و اصول کلی عقلانیت است. اما آنچه این دو جنبش درباره آن اشتراک نظر دارند همان‌قدر مهم است که اختلافاتشان». متن اصلی:

It was not the distinctive set of doctrines … but the main thread of the story of modern European philosophy, even if these terms are not much used after the turn of the nineteenth century. On the Enlightenment side is the heavy emphasis on science, universal principles, and rationality. On the romantic side are deep doubts about science, and reliance on intuition and feeling rather than reason. But what they share is as important as their disagreements.

این عبارت دو ایراد بسیار فاحش دارد. یکسی اینکه مترجم اصطلاح «the first of the nineteenth century» را «پایان قرن نوزدهم» ترجمه کرده است. حال آنکه باید «آغاز قرن نوزدهم» ترجمه می‌شد و در جمله است. حال آنکه با تاریخی یک قرن زمان را تغییر داده است. اما مهم‌تر از آن، اینکه مترجم فلیقه‌ای یک جمله را جا انداخته است. یعنی این جمله که On the romantic side are deep doubts about science, and reliance on intuition and feeling rather than reason.، یعنی «در طرف رمانتیسک، تردیدهایی بسیار عمیق درخصوص علم مطرح بود و به جای عقل، بر شهود و احساس اتکا می‌شد».

۳. صفحه ۶۱: «اما این جنبش نیز بخشی از همان طبقه متوسط و ذهنیت شهری بود که هسته اصلی روشنگری فرانسوی و انگلیسی را تشکیل می‌داد». متن اصلی:

But it was part of the same middle-class, urban mentality that made up the core of the French and English Enlightenment – without its political opportunities.

صرف‌نظر از اشتباه در فهم کارکرد صفت طبقه متوسط و ترجمه آن به اسمی مستقل، ایدا اصلی جاافتادگی عبارت معترضه است خط تیره است. ترجمه پیشنهادی: «اما بخشی از همان ذهنیت طبقه متوسط و شهری بود که هسته اصلی روشنگری فرانسوی و انگلیسی را - البته بدون فرصت‌های سیاسی‌شان - ایجاد کرده».

۴. صفحه ۹۰: «... احساس رمانتیک (به‌ویژه آرای روسو) و زندگی برخاسته از انگیزه موفقیت در...». متن اصلی:

Romantic sensibility (especially the views of Rousseau) , the pious life (for example, of a Benedictine monk) , the success-motivated life of ...

روش است که عبارت مبانی در اینجا جاافتاده و ترجمه نشده است. ترجمه پیشنهادی: «... احساسات رمانتیک (به‌ویژه، نظرات روسو)، زندگی پرهیزکارانه (برای مثال، یک تارک دنیای بندیکتی)، زندگی با انگیزه موفقیت»...».

۵. صفحه ۱۳: یک جمله کامل جا افتاده است: «بنابراین مانیوتک از ابدئالیسم اجتناب می‌کرد، زیرا نه وجود و نه قوام از ویژگی‌های آگاهی نیستند».

ب) تبدیل مضامین و افعال مثبت به منفی و بالعکس

۶. صفحه ۱۰: «جنبش روشنگری مجموعه متمایزی از تعالیم بود... اما...». متن اصلی:

It was not the distinctive set of doctrines … but the main thread of the story of modern European philosophy, even if these terms are not much used after the turn of the nineteenth century. On the Enlightenment side is the heavy emphasis on science, universal principles, and rationality. On the romantic side are deep doubts about science, and reliance on intuition and feeling rather than reason. But what they share is as important as their disagreements.

ترجمه پیشنهادی دقیقا برعکس است: «و برای آشفته‌تر کردن اوضاع، هم او و هم شیلر در تضاد با رومانتیک‌ها، خود را «کلاسیک» می‌نامیدند».

۸. صفحه ۸۴: «... از الگوی صرفا روشن‌اندیش سلطنت مشروطه پروس استفاده می‌کند». یعنی سلطنت مشروطه پروسی، حکومتی صرفا روشن‌اندیش است؟! متن اصلی:

... he follows the barely enlightened model of the Prussian constitutional monarchy.

مترجم با فهم نادرست قید barely جمله را حدوداً معکوس ترجمه کرده است. ترجمه پیشنهادی: «از الگوی سلطنت مشروطه پروسی پیروی می‌کند که به زحمت می‌توان آن را محصول روشنگری دانست».

۹. صفحه ۸۷-۸۸: «روسو بیش از هرکس دیگری این معنا را فرد بیدار از خودش و طبیعت، و بیدار از جامعه را گرامی داشت، حتی اندک آشنایی با اندیشه‌های طبیعت‌گرایانه روسو باید ماخاب را متوجه ایرادی در ترجمه کند. متن اصلی:

Rousseau more than anyone else celebrated this sense of the isolated individual in touch with himself and nature, and out of touch with society.

مترجم in touch را نیز out of touch دیده است. ترجمه پیشنهادی: «روسو بیش از هرکس، این معنا از فرد منزوی در ارتباط با خود و طبیعت، و بی‌ارتباط با جامعه را ارج نهاد».

۱۰. صفحه ۱۰۲: «اراده، شی‌فی‌نفسه، بر ما ناشناخته است و دست تجربه از آن کوتاه است». متن اصلی:

The Will, the thing in itself, is not unknown to us and beyond the reach of experience

در اینجا مترجم نظر شوپنهاور درباره «شی‌ء فی‌نفسه کانتی را دقیقا برعکس ترجمه کرده است. ترجمه پیشنهادی: «اراده»، به «شی‌ء فی نفسه»، برای ما ناشناخته و فراسوی دسترس تجربه نیست».

۱۱. صفحه ۱۰۵: «شوپنهاور... معتقد بود که حقیقت از سطح محض ذهن است...». متن اصلی:

Schopenhauer … insists that consciousness is the mere surface of the mind.

مترجم با ترجمه consciousness به ضمیر ناآگاه (!) معنای جمله را معکوس کرده است.

ترجمه پیشنهادی: «شوپنهاور... تاکید کرد که آگاهی صرفا سطحِ ذهن است».

۱۲. صفحه ۱۰۷: «کسی نمی‌تواند پارسایی یا دمدمی‌مزاج‌بودن انکار کرد». متن اصلی:

One can no more choose to be saintly or not to be moody.

ترجمه پیشنهادی: «نمی‌توان پرهیزکار بود یا دمدمی نبودن را انتخاب کرد». در اینجا نیز بخشی از جمله منفی ترجمه شده است. نکته جالب این است که این عبارت در نسخه قبلی (چاپ ۱۳۷۹) چنین آمده است: «کسی نمی‌تواند پارسایانه بودن یا دمدمی مزاج بودن را برگزیند». هر آنم نشان می‌دهد که در ویراست جدید نه به مقابله با متن اصلی، بلکه صرفا به روان‌نرسازی فارسی بسنده شده است.

۱۳. صفحه ۱۲۱: «... بلکه در اشاعه این خطا که فرگه به جرم «روان‌شناسی‌نگری»... مجازات شود نیز مقصر بودند». اندک آشنایی با اندیشه فرگه و صدیت او با روان‌شناسی‌گری کافی است تا به خطا بودن جمله پی ببریم. متن اصلی:

They were also guilty of promulgating the error that Frege chastised as 'Psychologism'.

ترجمه پیشنهادی: «آنها همچنین مقصر ترویج و اشاعه خطایی بودند که فرگه آن را به‌عنوان «روان‌شناسی‌گری»... مورد انتقاد قرار می‌داد».

۱۴. صفحه ۱۳۶: «اشتوممپف... معتقد بود که حقیقت از خصایص مفاد آگاهی نیست». متن اصلی:

Stumpf held that truth was a property of the contents of consciousness.

روشن است که مترجم بازهم فعل مثبت را منفی ترجمه کرده است. ترجمه پیشنهادی: «اشتومپف بر این باور بود که حقیقت ویژگی محتوای آگاهی است».

۱۵. صفحه ۱۴۳: «تاریخ‌نگری دیلتای پیشایش مدتی‌بخش دوبه نویی بود که در آن، قیاس‌ناپذیری جهان‌بینی‌های مختلف بیشتر به یک پیش‌فرض مقدماتی بدل می‌شد تا نتیجه‌ای پرترتیب».

ج) سهل‌انگاری‌ها و اشتباهات نحوی

۱۶. صفحه ۷: «این دعوی... همچنین تحمل نامحدودی را برای وطن‌پرستی و از خود راضی بودن توجیه کرد». متن اصلی:

tolerance for paternalism and self-righteiness...

روشن است که صرف‌نظر از ناروان‌بودن ترجمه فارسی، مترجم paternalism (پدرسالاری) را به‌اشتباه patriotism (وطن‌پرستی) دیده است.

۱۷. صفحه ۱۰: «البته صحیح است که جنبش روشنگری اغلب در نسزد مقامات کلیسا از غرایب بوده». اندکی تامل درباره معنی فارسی این عبارت مخاطب مبتدی را نیز به شک می‌اندازد. متن اصلی:

It is true that the Enlightenment was often at odds with Church authorities

ایدا روشن است. مترجم اصطلاح the at odds را با معنای صفت odd (به معنای عجیب و غریب) خلط کرده است و بر همین مبنا کلا ترجمه غلطی ارائه داده است. ترجمه پیشنهادی: «درست است که روشنگری اغلب با مرجعیت و اقتدار کلیسا سر نبرد داشت».

۱۸. صفحه ۲۶: «و آنچه هنوز شگفت‌آور است، کمی خواسته‌های طبیعی و مبرم او، و کثرت میل شدید او به شهوانش ...است». متن اصلی:

And what is yet stranger, the less natural and pressing his wants, the more headstrong are his passions …

مترجم از کاربرد کرامری the more ... the less ... غافل است و به همین دلیل جمله را به‌کلی عقلانی جلوه کرده است. ترجمه پیشنهادی: «و آنچه هنوز غریب است: هرچقدر موضوع مورد مطالبه‌اش کمتر طبیعی و اضطراری باشد، شهواتش لجوجانه‌ترند».

۱۹. صفحه ۳۱: «اما در آلمان موقعیت سیاسی چنان بود که اصلاح هیچ چیز جز جزئی که نتوان آن را به اندیشه درآورد». معنی عبارت چوق حقیقتا مبهم و نامفهوم است. متن اصلی:

But in Germany the political situation was such that reform was all but unthinkable.

مشخص می‌شود که مترجم ترجمه اصطلاح the all (تقریبا) را درنیافته و جمله چنان پیچ‌واپ داده است که نامفهوم شده است. ترجمه پیشنهادی: «اما در آلمان وضعیت سیاسی به نحوی بود که اصلاحات ناشدنی جلوه‌گر نشود». متن اصلی:

Knowledge is important for Kant, but he summarized his own philosophy as the need to 'limit knowledge in order to make room for faith'.

ترجمه پیشنهادی: «شناخت برای کانت مهم است، اما او فلسفه‌اش را چنین جمع‌بندی می‌کند: نیاز برای «محدودکردن دانش تا جا برای ایمان باز شود»».

۲۱. صفحه ۴۸: «علم و شناخت توانایی‌های خودشان را دارند و یکی از این توانایی‌ها مرز فعل و کنش انسانی است». اینکه «مرز فعل و کنش انسانی»، یکی از «توانایی‌های علم وشناخت» است، اصلا قابل فهم نیست. متن اصلی:

Science and knowledge have their limits, and one of those limits is the boundary of human action.

شده است.

۲۲. صفحه ۱۳۱: «... بلکه در اشاعه این خطا که فرگه به جرم «روان‌شناسی‌نگری»... مجازات شود نیز مقصر بودند». اندک آشنایی با اندیشه فرگه و صدیت او با روان‌شناسی‌گری کافی است تا به خطا بودن جمله پی ببریم. متن اصلی:

They were also guilty of promulgating the error that Frege chastised as 'Psychologism'.

ترجمه پیشنهادی: «آنها همچنین مقصر ترویج و اشاعه خطایی بودند که فرگه آن را به‌عنوان «روان‌شناسی‌گری»... مورد انتقاد قرار می‌داد».

۲۳. صفحه ۱۵۳: «اما در آلمان وضعیت سیاسی چنان بود که اصلاح هیچ چیز جز جزئی که نتوان آن را به اندیشه درآورد». معنی عبارت چوق حقیقتا مبهم و نامفهوم است. متن اصلی:

But in Germany the political situation was such that reform was all but unthinkable.

مترجم the all (تقریبا) را به «عقل» برگردانده است! ترجمه پیشنهادی: «آزادی تنها در صحت عمل باقت نیست».

۲۶. صفحه ۶۷: «شک نیست که فیشته کمان می‌کند در موضع بالاتری است». متن اصلی:

There is no doubt which Fichte thinks is superior

متن مطلقا غلط شده است. ترجمه پیشنهادی: «تردیدی وجود ندارد که فیشته کدام نگرش را برتر می‌داند».

۲۷. صفحه ۸۸: «در این روند هر دوی آنان می‌آموزند که زیستن بیش از فرد بازمانده وجود دارد». جمله مطلقا نامفهوم است و حتی یک نگاه ویراستارانه فارسی نیز می‌تواند دست‌کم خطایی را در ترجمه تشخیص دهد. متن اصلی:

In the process both of them learn that there is more to life than survival

معنی بسیار روشن است: «در این فرآیند هر دو می‌آموزند که زندگی چیزی بیش از زنده‌ماندن است».

۲۸. صفحه ۱۰۹: «آدمی باید نخست از راه توهمات فردانیت و میل بیند و سیس پیرو زهد شود، اما یک بار پا دوبار از راه این توهمات دین کافی نیست». متن اصلی:

One must first see through the illusions of individuality and desire, and asceticism follows, but it is not enough to see through these illusions once or twice.

روشن نیست که مترجم بر چه اساسی limit را به «توانایی» برگردانده است؟ ترجمه پیشنهادی: «علم و دانش خود را دارند و یکی از این حدود، مرزهای عمل انسانی است».

۲۲. صفحه ۱۵۱: «در اینجا ما به طور اخص دین عمیق او به روسو و نیز شباهت با نظر اول را می‌بینیم». بخش دوم جمله، معنای چندان مفهومی ندارد، در بهترین حالت می‌توان استباط کرد که در اینجا [عقل عملی] علاوه بر دین عمیق کانت به روسو، شباهت‌هایی را با نقد اول نیز مشاهده می‌کنیم. متن اصلی:

Here especially we see his deep indebtedness to Rousseau, as well as a parallel with the first Critique

ترجمه پیشنهادی: «در اینجا نیز همانند نقد نخست، ما به‌ویژه شاهد دین عمیق کانت به روسو هستیم».

۲۳. صفحه ۵۳: «دین فقط به نحوی متفاوت عقلی است و در قلمروی متفاوت با عقل قرار می‌گیرد». معنای جمله متناقض است، از یک سو مدعی است که دین به شکلی عقلی است، اما در قلمروی عقلی قرار ندارد. این تناقض با نگاهی به متن اصلی برطرف می‌شود. متن اصلی:

It is just rational in a different way, in a different realm of reason.

ترجمه پیشنهادی: «دین فقط به نحو دیگری، و در ساحت متفاوتی از عقل، عقلانی است».

۲۴. صفحه ۶۲: «چراکه روسو قهرمان احساس در برابر عقل نیست، یعنی کسی که در اینجا بسیار با این بحث مربوط است». جمله مبهم است و معنی اشباته منتقل شده است. متن اصلی:

It is not rousseau the champion of sentiment against reason who is so relevant here…

ترجمه پیشنهادی: «روسوی حامی احساسات در برابر عقل، روسویی نیست که به بحث فعلی مربوط است».

۲۵. صفحه ۶۵: «اختیار را فقط در قلمروی عقل نباید یافت». متن اصلی:

Freedom is not to be found only in the realm of reason.

مترجم در اینجا the را به «عقل» برگردانده است! ترجمه پیشنهادی: «آزادی تنها در ساحت عمل یافت نمی‌شود».

۲۶. صفحه ۶۷: «شک نیست که فیشته کمان می‌کند در موضع بالاتری است». متن اصلی:

There is no doubt which Fichte thinks is superior

متن مطلقا غلط شده است. ترجمه پیشنهادی: «تردیدی وجود ندارد که فیشته کدام نگرش را برتر می‌داند».

۲۷. صفحه ۸۸: «در این روند هر دوی آنان می‌آموزند که زیستن بیش از فرد بازمانده وجود دارد». جمله مطلقا نامفهوم است و حتی یک نگاه ویراستارانه فارسی نیز می‌تواند دست‌کم خطایی را در ترجمه تشخیص دهد. متن اصلی:

In the process both of them learn that there is more to life than survival

معنی بسیار روشن است: «در این فرآیند هر دو می‌آموزند که زندگی چیزی بیش از زنده‌ماندن است».

۲۸. صفحه ۱۰۹: «آدمی باید نخست از راه توهمات فردانیت و میل بیند و سیس پیرو زهد شود، اما یک بار پا دوبار از راه این توهمات دین کافی نیست». متن اصلی:

One must first see through the illusions of individuality and desire, and asceticism follows, but it is not enough to see through these illusions once or twice.

این جمله کلکسیونی از خطاهای ترجمه است. مترجم see through را تحت‌اللفظی ترجمه کرده و در نتیجه عبارت نخست را بی‌معنا ساخته است. همچنین فعل follow که در اینجا به معنای از پی آمدن است را با بد دل ساختن فاعل آن (یعنی زهد) مفهوم، به پیروی کردن ترجمه کرده است.

ترجمه پیشنهادی: «فرد باید ابتدا از توهمات ناشی از فردیت و میل رها شود، و آنگاه زهدگرایی فراخواهد رسید، اما رو کردن دستِ توهمات برای یک یا دوبار کافی نیست».

۲۹. صفحه ۱۱۲: «فوقرباخ... با سبکی روشن می‌نوشت که بعد از توهمات برای آنان که با دوبار کافی نیست». متن اصلی:

Here especially we see his deep indebtedness to Rousseau, as well as a parallel with the first Critique

ترجمه پیشنهادی: «در اینجا نیز همانند نقد نخست، ما به‌ویژه شاهد دین عمیق کانت به روسو هستیم».

۳۰. صفحه ۱۵۱: «نیچه... برخلاف کی‌یرکگور، هیچ علاقه‌ای به مسیحیت ابداع‌شده در صورتی تجدیدشده ندارد». متن اصلی:

Nietzsche … unlike Kierkegaard, has no interest in salvaging Christianity in a renewed form.

ترجمه پیشنهادی: «برخلاف کی‌یرکگور، هیچ علاقه‌ای به نجات مسیحیت در قالبی احیاشده نداشت».

۳۱. صفحه ۱۸۴: «روان‌کاوی از بیماری است که بیماری برای آن مدعی فراهم کردن درمان است». معنی جمله نامفهوم است. متن اصلی اما سیار واضح است:

Psychoanalysis is the disease for which it purports to provide the cure.

ترجمه پیشنهادی: «خود روانکاوی همان بیماری‌ای است وانمود می‌کند به دنبال درمانش است»

نهایتا این است مخاطب انتقادم، پیش از مترجم فارسی، ناشر جدید اثر باشد. یکی از عوامل انتشار ترجمه‌های مغلوط و بإیراد ناشران ضعیف است. مترجم در حد توان و زمان خویش کتابی را به ناشر عرضه می‌کند، و حق دارد که بخواهد کتاب خود را در هر سطحی منتشر کند.

این قوه داوری ناشر یعنی ویراستاران و ارزیابانش هستند که باید مسئول را داوری کنند. ترجمه‌ها را مقابله کنند و در نهایت، از انتشار متونی که هنوز به سطح استاندارد نرسیده‌اند جلوگیری کنند. ناشر صرفا به فکر درآمدزایی باشد، نتیجه جز این نمی‌شود که به جای ویرایشی حرفه‌ای و دقیق، فقط به «جذاب‌سازی» فرمالیستی جلوه حق کتاب توجه می‌کند و لابد به انگیزه «فروش بیشتر» حتی عنوان اثر را نیز به‌گونه‌ای تغییر (یا ترتیب) می‌دهد که بسیاری از مخاطبان را بدین گمان اندازد که کوبی یا کتابی دیگر (و چه‌بسا جدید!) از رابرت سالمن موجه‌اند. و در انتهاء اضافه می‌کنم که انتقادات معطوف‌به‌ایرادی در مورد سایر مجلدات این مجموعه، اعم از ترجمه فلسفه یونان، فلسفه قرون وسطا، فلسفه رنسانس و غیره نیز می‌تواند مطرح باشد. بنابراین به ناشر جدید پیشنهاد می‌کنم که شاید هرچند متضرر خسارت مالی شود، اما حقانی حرفه‌ای را رعایت کند. در این صورت، نگارنده این سطور بدون هیچ چشم‌داشتی حاضر است، چنان‌که پیش از این نیز بارها این کار را کرده، تمام ایرادات و انتقاداتی را که در این ترجمه باشد به ناشر بفرستد تا در ویرایش نهایی از آنها نیز استفاده شود. بدیهی است که این کار موجب طرح دعوا علیه خود که در آینده این کتاب، در کنار ترجمه ناکنون منتشرشده این قلم، با حضوری جدی‌تر و شایسته‌تر در بازار کتاب به مخاطبان عرضه شود.

کلکسیونی از اشتباهات در ترجمه

نقد ترجمه کتاب فلسفه فرانسوی و آلمانی، اثر رابرت سی. سالمن

محمدمهدی اردبیلی

بررسی

هویت چگونه و از کجا سرچشمه می‌گیرد؟

سوژگی
دونالد ای. هال
ترجمه: هادی شاهی
ناشر: پارسه
چاپ اول: ۱۳۹۶
قیمت: ۲۶۰۰۰ تومان

تمت بارها از خود پرسیده‌اید که «من کیستم؟». بی‌شک این پرسش ذهن همه ما را در مقاطع مختلف زندگی به خود مشغول کرده است. اکنون در دورانی زندگی می‌کنیم که معمولاً از ما خواسته می‌شود هویت‌مان را به افراد و نهادهای حاکم درباییم، بیان کنیم و شرح دهیم. از والدین، مشاوران مدرسه، کتاب‌های پرفروش و خودآموزشی گرفته‌تا کمپین‌ها، کمپین‌ها، مجریان تلویزیونی، برنامه‌های تبلیغاتی و نهادهای سیاسی و اجتماعی، به‌تازگی نشر کتاب پارسه یکی از کتاب‌های مهم در این زمینه را منتشر کرده که پاسخ یا پاسخ‌هایی درباره کیستی و چیستی انسان ارائه می‌کند که با ظهور زمان دستخوش تغییرات و دگرگونی‌های زیاد و شگرفی شده: «سوژگی» اثر دونالد ای. هال. کتاب حاضر تاریخ نظریه‌های فردیت و هویت را از دوران کلاسیک تا زمان حال بررسی می‌کند و نشان می‌دهد چگونه می‌توان این نظریه‌ها را در نقد ادبی و فرهنگی به کار برد. هال نظریه‌پرداز آمریکایی و محقق برجسته مطالعات بریتانیا، نظریه دگرباشان، مطالعات فرهنگی، اخلاق، کنشگری و ادبیات برجسته رشته ادبیات انگلیسی و رئیس سابق انگلیسی دانشگاه وست ویرجینیا است. گرچه طرح جلد نسخه فارسی کتاب بیشتر شبیه کتاب‌های ژانر «روانشناسی موفقیت» است که بازار کتاب ایران را قبضه کرده، بااین‌حال نباید محتوای فلسفی کتاب حاضر را از وجود خود آن قضاوت کرد.

سوژگی در عنوان کتاب معادل انتخابی مترجم فارسی برای واژه «subjectivity» از میان معادل‌های مختلفی مثل ذهنیت، ذهن‌بنیادی، سوژه‌بنیادی، ذهنی‌انگاری، فردبنیادی است. رای مترجم بر این است که معادل‌های فارسی به‌درستی معنای این کلمه را که تاریخی طولانی از فلسفه غرب را با خود بدک می‌کشد بیان نمی‌کند و بنابراین چون کلمه سوژه برگرفته از معادل غربی است و در فارسی نیز کاملا مصطلح شده، سوژگی را معادل درستی برای بیان مفهومی این واژه می‌داند. مفهوم سوژگی در کتاب حاضر و موضوعی است نیز تکاملی انسان غربی را مبتنی بر ذات و از لحاظ تاریخی در تکوین سوژه و سوژگی انسان غربی است. سوژگی مفهومی محوری در فلسفه و در ارتباط با خودآگاهی، کنشگری، فردیت، واقعیت و حقیقت است که منابع مختلف تعاریف گوناگونی از آن ارائه کرده‌اند. سه تعریف مرسوم از سوژگی عبارتند از: ۱- آنچه یک سوژه است که به طور محدود به معنای فردی است که صاحب تجربیات خودآگاهانه است مثل دیدگاه‌ها، احساسات، اعتقادات و امیال. ۲- آنچه یک سوژه است که به طور گسترده به معنای موجودی است که کنشگری دارد، یعنی بر موجود دیگر (یک ابژه) تاثیر می‌گذارد و اعمال قدرت می‌کند. ۳- اظهارات، نظر، موقعیت یا یک چیز فیزیکی است که تنها از دید یک سوژه یا سوژه‌ها درست به نظر می‌آید. معمولاً تعاریف حاضر در فلسفه با هم در نظر گرفته می‌شوند. سوژگی معمولاً برای توصیف چیزی استفاده می‌شود که به فرمانده‌های افراد درباره حقیقت و واقعیت اثر می‌گذارد، مجموعه‌ای از دیدگاه‌ها، تجربیات، انتظارات، فهم شخصی و فرهنگی و اعتقاداتی که خاص یک فرد است. و اغلب در مقابل اصطلاح ابژگی یا عینیت استفاده می‌شود. دیدگاهی از حقیقت و واقعیت که عاری از تاثیر فردی است.

در نظر هال دیدگاه فرد همیشه معرضانه، ناقص یا به عبارتی انسانی است. و البته این محدودیت‌ها در توانایی شناخت کامل یا قابل اعتماد نیز دخیل می‌داند. او در تبیین موضوع حاضر کار خود را با دکارت مورد بررسی قرار می‌دهد و بین این محدودیت‌های غیرقابل‌اجتناب مانع از آن نشد که دکارت درباره «خود» تعامل نکند. او با اشاره به شرح مشهور جمله «من می‌اندیشم، پس هستم» نشان می‌دهد هستی انسان به‌مثابه موجودی تعریف می‌شود که در جدال دائمی است، گرچه شناخت کامل کاری عبث است. در نظر هال به این دلیل است که سوژگی برگرایدر به نظر می‌رسد، یعنی کنعی که از اصطلاح هویت متفاوت است. گرچه هر دو که‌ای همدیگر به کار می‌روند. هال حتی‌رغم می‌کیرد «هویت فرد را می‌توان مجموعه خاصی از رفتارها، اعتقادات و تعهدات کوتاه یا بلندمدت در نظر گرفت که به فرد شخصیت و حالت بنایات یک موجود اجتماعی را می‌دهد. درحالی‌که سوژگی همیشه به درجه‌ای از تفکر و خودآگاهی درباره هویت اشاره دارد و همزمان محدودیت‌های زیاد و قیودبنده‌های غیرقابل شناخت و اجتناب‌ناپذیر را بر توانایی‌مان در فهم کامل هویت تحمیل می‌کند». (ص۲۰) او از این نتیجه استفاده می‌کند و نشان می‌دهد سوژگی در حکم یک مفهوم نقادانه است و این پرسش را پیش می‌کشد که هویت چگونه و از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ تا چه حد قابل درک است؟ و تا چه درجه‌ای ما بر آن تاثیر یا کنترل داریم؟

نویسنده در فصول بعدی کتاب، گرچه‌ای موثایی جستار و روش‌شناسی‌های متعدد نقادانه ادبی و فرهنگی فعلی را بررسی می‌کند. آن گروه از جنبش‌های نقادانه مهم اواسط و اواخر قرن بیستم، که به‌نحوی به مفاهیم سوژگی ارتباط دارد بررسی می‌شوند. حتی اگر کتاب باسخ‌های متفاوتی به پرسش‌های مشابه داده باشند، پرسش‌هایی از این قبیل که ما چه کسی و چه چیست هستیم، ما چه هستیم و چرا این شکلی به نظر می‌آییم و چقدر ظرفیت و توانایی چیز دیگری‌شدن را داریم؟ ازایرو،و کنشگری مسأله‌ای است که این کتاب سخت درگیر آن است. موضوعی که نفقط به گذشته دور را برمی‌گردد بلکه به زمان حال و آینده نیز توجه دارد و موضوع مناقشه‌برانگیزی این واژه می‌تواند مباحث سوژگی بدون و موضوعی است که هرکمل کار کذاشته شده‌اند. حتی اگر مفهومش مناقشه‌کننده و قطعی به نظر برسد. چون در نظر هال ما در بررسی کنشگری، با پرسش بنیادین مسئولیت روبرویم: در کنش شخصی، در آفرینش زیبایی‌شناسانه، در هنرهای میان‌فردی و ارزشیابی‌های اجتماعی. برای نظریه‌پردازان سوژگی مسأله اساسی این است که ما چگونه باید و حتی با چه شیوه و قدرتی می‌توانیم اعمال را از طریق کنش فردی هماهنگ تغییر دهیم؟ چگونه نمود فرهنگی می‌تواند باعث این تغییرات شود؟ در نظر هال همین که چنین پرسش‌هایی مطرح شد دیگر نمی‌توان آن را کنار گذاشت و به همین علت موضوع «سوژگی» اهمیت همیشگی دارد. کتاب حاضر تلاشی است برای توضیح این مسأله.

گزارشی از گفت‌وگوی نوام چامسکی و ایلان پاپه «درباره فلسطین»

از گذشته، حال و آینده فلسطین

کاوه شکیب

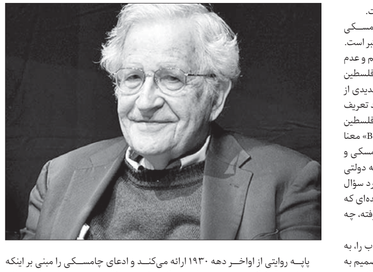

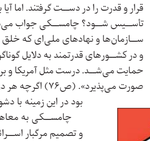

درباره فلسطین
نوام چامسکی
ایلان پاپه
ترجمه: محسن عسکری‌جهقی
ناشر: ثالث
قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

آمار شدید! فزاینده فقر و گرسنگی در جهان، توزیع به‌شدت نابرابر ثروت، حملات تروریستی در کشورهای مختلف، جنگ‌های نیابتی در خاورمیانه، تکثیر فضاهای امنیتی، توده‌ای‌شدن پدیده پناه‌جویان، افزایش روزبه‌روز تعداد آوارگان، رسیدن دمای زمین به مرز هشدار، گودتاهای سیاسی و نظامی، جلوهر جنبش‌های را